



مسأله فقر و توزیع درآمد

در آذربایجان شرقی

● مقدمه

امروزه، به رغم دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی، نحول مبنایی تولید و تسلط انسان بر طبیعت و محیط پیرامون خویش، فقر، معضلی بزرگ است که گستره جهانی دارد به طوری که بیش از یک میلیارد نفر در جهان گرسنه‌اند یا نوعی از سوء تغذیه رنج می‌برند و رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به این مسأله دامن می‌زند. فقر، از زوایای مختلف قابل بررسی است و نگرش بدان، می‌تواند از بعد فلسفی، اخلاقی، علمی، ادبی و هنری باشد. به بیانی دیگر، فقر در جامعه به لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل مشاهده است، چرا که فقر واقعیتی اجتماعی، عینی و بیرونی است و از دیر بار، یکی از بزرگترین مشکلات بوده است که در مرحله اول، در اختلاف طبقاتی بین افراد مختلف، چهره گرفته آن جلوه گر می‌نماید، که نشانگر عدم رعایت تساوی در زمینه استحقاقهای مساوی است، که توانایی و ناداری یکی می‌شود و حوس نکی، راست قامت بی نصیبی را خمیده می‌سازد و هر روز بیش از روز بیس، قربانیان خود را در گرداب محرومیت فر و می‌برد. در این مختصر، بعد اقتصادی فضا مورد نظر است.

در سوسنه‌های بسیاری از نوسوسینه‌های توسعه اقتصادی، فقر مورد توجه قرار گرفته است. در کنار مشکلات و دشواریهای بیشمار که گریبانگیر کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است، از جمله: مسایل مربوطه به اشتغال، رشد جمعیت، آموزش، تولید و توزیع

● شهرزاد صادقی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه

جامعه ملاک سنجش فقر قرار می‌گیرد و فقر به عدم رضایت فردی از موقعیت اقتصادی - اجتماعی خویش تعریف می‌شود. با مفهوم فقر ذهنی مواجه هستیم. در فقر نسبی، ارضای نیازهای فرد در رابطه و نسبت به دیگران مورد سنجش قرار می‌گیرد و فقر هم برخورداری از مواهب مادی و معنوی نسبت به دیگر افراد جامعه خواهد بود.

از آنجا که فقر مشکل و مسأله اجتماعی است (Social Problem) وجه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و حتی فلسفی خواهد داشت. چنین نگرش‌های همه جانبه است که پیچیدگیهای این مفهوم را روشن می‌سازد. «از دیدگاه بحث فلسفی: فقر و محرومیت هنگامی حادث می‌شود که زمان احساس نیاز، مقدم بر زمان ارضای نیاز باشد. در عین حال به نظر می‌رسد که مجموعه نیازهای انسانها، به صورت بالقوه، مجموعه‌ای است بار و بی‌نیابت، لذا هیچ‌گاه انسانها با شرایطی مواجه نخواهند بود که احساس نیاز تازه‌ای نکند با احساس و ارضای نیاز آنان هم‌زمان باشد. به این اعتبار، جامعه انسانی همیشه فقیر و محروم خواهد ماند. در این وضعیت ممکن است، اندازه‌گیری مقدار فقر کاری عبث جلوه گر شود. ولی چنین نیست، چرا که، نوع فقر، بر حساس سطوح نیاز در مراحل

درآمد، فقر نیز، از قلم نیفتاده و زمانی غیرمطلوب تصور شده است. کسانی هم بوده‌اند که وضعیت این کشورها را در یک دور باطل توضیح داده‌اند و فقر را ویژگی مشترک آنها دانسته‌اند.

● تعریف و مفهوم فقر

کنت گالبرایت دو نوع فقر را از یکدیگر تمیز می‌دهد. فقر موردی (Case Poverty) که عده قلیلی از افراد جامعه را در برمی‌گیرد و فقر عمومی (Mass Poverty) که همگی افراد جامعه به جز عده معدودی دچار آن هستند. این فقر، معمولاً در جوامعی است که عملاً شکل روسایب دارد و تقریباً همه آنها فقیر هستند و همچنین رفاه و ثروت به صورت استثنایی و برای تعداد معدودی وجود دارد.

در ادبیات فقر، به مفاهیم فقر عینی، فقر ذهنی، فقر مطلق و فقر نسبی برمی‌خوریم. فقر مطلق: زمانی است که افراد یا خانواده‌ها از تأمین حداقل ضروریات برای ادامه حیات بازمانده‌اند و تلاوم زندگی برای آنها غیرممکن شده است. فقر نسبی به ارزشکداریها و معیارهای هر جامعه مربوط است. لفظ عینیت و ذهنیت، در خصوص فقر نیز، در مورد فضاوتها مطرح می‌شود. زمانی که قضاوت شخص از وضعیت و موقعیت خویش در

مختلف توسعه، متحول می‌شود و می‌توان براساس تقدم زمانی احساس نیاز در رفتار انسانی رده‌بندی ویژه‌ای از سطوح فقر را در اختیار داشت و در بحثهای علمی به این طبقه‌بندیها تکیه کرد.^۲

● علل فقر

فقر ریشه‌های بسیار عمیقی دارد، همه جانبه و گسترده است و باید به صورت یک مسأله اجتماعی مطرح شود. رویکردها و تئوریهای متعدد در زمینه توسعه اقتصادی به طرح مسأله فقر پرداخته‌اند. مسأله گذر از یک مقطع تاریخی به مقطعی دیگر، خود الزاماً فقر و دشواری به بار می‌آورد و این امر ذاتی جوامع در حال توسعه است.

معمولاً عوامل موثر در پیدایش فقر را با عامل جغرافیایی می‌دانند یا اقتصادی یا سیاسی و یا اجتماعی. مانند آنچه که کنت گالبرت، در خصوص علت فقر از دید افراد صاحب نظر مطرح می‌نماید. وی می‌گوید: «برخی از مطالعه کنندگان، علت آن را فقر منابع طبیعی می‌دانند، ولی زاین یا وجود کمبود منابع طبیعی فقیر نیست، یا تسابون سنگاپور، هنگ کنگ و کره جنوبی. اما در عربستان، با وجود منابع طبیعی و ثروت فراوان، سطح زندگی مردم بسیار ساده و ابتدایی و شبیه زندگی پیشینیان خودشان است.

توضیح و توجه دیگری که برای مفاهیم فقر و رفاه به طور وسیعی مورد استفاده واقع می‌شود، ماهیت دولت و نظام اقتصادی کشورها ارتباط دارد. گفته می‌شود: مردم به این علت فقیر هستند که هنوز اقتصاد آزاد و رقابت بازر آزاد را درک و تجربه نکرده‌اند. اما در عین حال، جامعه به این دلیل فقیر است که مورد استثمار واقع شده‌است، ارزش اضافی توسط مالکین یا سرمایه‌داران چساول می‌شود. لذا، این نوع فقر ادامه می‌یابد، زیرا هر آنچه به دست می‌آید به جیب صاحبان املاک سرازیر می‌شود و دیگر هیچ انگیزه‌ای برای بهبود اوضاع و شرایط جاری باقی نمی‌ماند.

سطح زندگی خوب مردم در اروپای شرقی، انس واقعیت را آشکار می‌سازد که درست نیست، نظام اقتصادی را به عنوان تنها عامل یا پندزهر فقر به شمار آوریم. برخی علت فقر کشور را نبود سرمایه کافی برای توسعه می‌دانند، یا فقدان نیروی انسانی کارآموده و محروم یا نبود یک دولت فعال با کفایت و کارآ، همان‌گونه

که گونا، دمیرال آن را «حکومت سست» Soft state می‌نامد.^۳

به نظر می‌رسد، ارتباطی متقابل میان فقر و هر یک از ارکان لازم برای رشد و توسعه، یعنی نیروی انسانی متخصص و کارآمد، سرمایه و منابع طبیعی وجود دارد. به عبارتی فقر هم علت و هم معلول است، نیروی انسانی (Human Power) از ارکان اصلی توسعه است و اگر جامعه دچار فقر باشد، تربیت چنین نیروهایی مقدور نخواهد بود و منابع طبیعی و سرمایه بدون نیروی انسانی متخصص به هدر خواهد رفت.

اگر فقر را از دیدگاه علم اقتصاد، مورد توجه قرار دهیم و از سطوح مختلف نیاز صحبت نماییم به فقر معیشتی می‌رسیم که فقر از این دیدگاه، دارای دو علت اساسی است. تولید سرانه و عدم تعادل در الگوی توزیع درآمد. همان‌گونه که هر کشور توسعه نیافته‌ای به مشکلاتی چون تولید سرانه پایین، رشد جمعیتی بالا و نامتعادل بودن توزیع درآمد مبتلاست، در سطحی پایین‌تر، در مناطق مختلف یک کشور نیز، این مسأله به وضوح قابل مشاهده است. از جمله: در استان آذربایجان شرقی.

● دشواری اندازه‌گیری فقر

«رووسهای اندازه‌گیری فقر، در مورد هر یک از مفاهیمی که از فقر مطرح شد، متفاوت است. ارائه یک روش کلی، برای اندازه‌گیری فقر ممکن نیست. اندازه‌گیری فقر، براساس هر یک از مفاهیم جداگانه، نتایج متفاوتی خواهد داشت. به همین دلیل است که: دشواری اندازه‌گیری فقر، بر محور دو مسأله اساسی دور می‌رسد. برقراری چهارچوب نظری صحیح و به کار بستن روشهای معیتر و قابل اطمینان جهت گردآوری و سازمان‌بندی اطلاعات مربوط به آن.

واحدهای اندازه‌گیری، از فرد گرفته تا خانواده و خانوار که به عنوان منای تخصیص درآمد - در پژوهش - مورد استفاده قرار می‌گیرند، نشانه‌های مهم کیفیت توزیع درآمد، به شمار می‌آیند، پژوهندگان در تعریف واحدهای درآمد که انعکاس واقع‌بینانه‌ای از موقعیت نسبی اشخاص بوسیله به کنترلی که بر منابع جامعه دارند، دست می‌دهند، طریق مشخص در پیش ندارند. مورگان و همکارانش، دریافته‌اند که: هر اندازه واحد درآمد بزرگتر باشد، تخمین نابرابری توزیع درآمد، کمتر است. این امر،

ناشی از تقلیل تعداد واحدهای کوچک درآمد و در نتیجه، ادغام آنها در واحدهایی بزرگتر است.

هنگامی که مقصود از تحلیل درآمد، مقایسه در طول زمان یا بین مناطق گوناگون باشد، مشکلات دیگری بروز می‌کند، آیا اختلاف و ارزش پول و سطح متغیر زندگی یا تفاوت سطح زندگی در میان مناطق مختلف، در زمان واحد، به حساب آورده می‌شوند؟

به طور کلی، برای انتخاب جنبه‌های نمایز بخش، دو روش مورد استفاده بوده است. روش مطلق و نسبی.

از سویی دیگر، مفهوم فقر را می‌توان از اتکای آن، به سطح معیشت بخور و نمبر، برای پایین‌ترین طبقات، خواه ملاکهای نسبی را به کارگیریم خواه مطلق، را، متفک نمود. برای نیل به این منظور، می‌توان پایین‌ترین مقیاس و پایین‌ترین سطحی را که جامعه با توجه به هدفهای ملی خود، می‌تواند تحمل کند، جایگزین نمود. بدین ترتیب، در جایی که ممکن است، استدلال کرد که فلان درآمد حداقل، برای معاش دریافت‌کننده آن کافی می‌باشد به لحاظ آن که چنین درآمدی بر رفاه اجتماعی - اقتصادی جامعه تأثیر می‌گذارد امکان دارد که به هیچ وجه کافی نباشد.^۴

در بیان شاخصهای درآمد سرانه، توزیع درآمد و چگونگی آن در جامعه، میزان رشد اقتصادی کشورها و هزینه‌های مصرفی، مورد اشاره واقع شده‌اند. یکی از روشهای اندازه‌گیری فقر، تعیین «خط فقر» یا «نقطه فقر» است که از آن می‌توان، به عنوان مرز میان فقیر بودن و فقیر نبودن استفاده کرد. ولی باید وسیله‌ای یافت تا با استفاده از آن، تعیین فاصله از خط فقر برای افراد، گروهها و طبقات مختلف قابل محاسبه باشد، یعنی اندازه‌گیری فقر در نقد مطرح شود، مرز فقر و عمق فقر.

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان برای اندازه‌گیری فقر، از شاخص درآمد و شاخصهای سطح زندگی، که با استفاده از شاخصهای اجتماعی بدست می‌آید، استفاده نمود.

اگر فقر در میان افراد و خانوارها مشاهده شود، در سطح خرد مورد بررسی قرار گرفته است و اگر در سطح ملی و جامعه ملاحظه شود، مطالعه در سطح کلان خواهد بود. می‌توان نظر خود افراد را پرسید تا رفتار را در مورد چگونگی کسب درآمد، مورد توجه قرار داد و درجه آن را با استفاده از تمایل افراد به کار اضافی و به تعویق انداختن سن بازتسنگی برای کسب درآمد بیشتر تعیین نمود. به

عبارت دقیق تر، موارد فوق در اندازه گیری فقر ذهنی است البته رفتار مصرفی فرد نیز، شاخص خوبی است. توزیع درآمد فردی میان پس انداز و مصرف، یکی از جنبه های خرج در مد است، که اهمیت زیادی دارد. زیرا، پس انداز صرف، خود می تواند به عنوان عاملی در تعیین خط فقر مؤثر باشد. از طرف دیگر، پس اندازهای منفی را در این حالت، می توان برای محاسبه عمق فقر مورد استفاده قرار داد و از طریق کالاهای خریداری شده، نقطه فقر و عمق فقر را پیماند.

از دیدگاه مفید بودن اطلاعات بدست آمده، برای تعیین سیاستهای لازم، جهت مبارزه با فقر «روش مشاهده رفتاری» نسبت به روش قبلی، یعنی اظهار رضایت با عدم رضایت فقر از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در فقر نسبی، شاخص درآمد جامعه، از مقایسه درآمد طبقات فقیر با درآمد دیگر طبقات جامعه آشکار خواهد بود. بهترین روش برای ترسیم خط فقر، تعیین سطح متوسط درآمد است، به طوری که، اشخاص، با درآمدی کمتر از درآمد متوسط، جزء افراد فقیرند و افراد با درآمدی بستی از درآمد متوسط، جزء افراد فقیر محسوب نمی شوند. بدون شک، چگونگی تعیین خط فقر، بر سیاستهای ضروری، جهت مبارزه با فقر، اثر دارد. چرا که، بر اساس تعریف، فقیر کسی است که از توزیع عادلانه تر درآمدها سودمند نشود. به این دلیل، متوسط درآمد، احتمالاً زمینه مناسب تری برای تعیین خط فقر است تا شاخصی دیگری بصورت ساده درآمد. از طرف دیگر، برای تعین عمق فقر نیز، می توان «راحتی از متوسط درآمد» استفاده نمود.

عبارت دیگر می توان به حدی یک شاخص از چند شاخص برای سنجش فقر نسبی استفاده نمود. در این حالت، بهترین روش این است که فهرستی از نیازهای انسانی تهیه نمود. و در سطوح متوسط، هر یک از این نیازها را برآورد کرد. بین سطوح متوسط، نقاط فقر را، برای هر یک از نیازها مشخص می کنند.

در تعیین ضوابط فقر مطلق، باید گفت: امکان دارد، ضوابطی را برای تعیین ارضای نیازها تعیین نماییم و براساس آن، فقیر و غیر فقیر را مشخص سازیم. البته گروههای مختلف با عقاید متفاوت، ملاکهای گوناگونی را برای مبارزه انتخاب می نمایند و برای شناخت و برآورد

نیازهای انسان به مقدار کافی کوشش می کنند، ولی باید اذعان داشت که در تمام آنها، فقر تابعی از شرایط اجتماعی و سیاسی است. به عبارت دیگر، فقر را می توان با استفاده از شرایط فیزیکی جامعه تعیین نمود نه شرایط فرهنگی و اجتماعی. بدیهی است که واژه محرومیت نیز، با فقر یکی است و زمانی که ارضای نیازها از شرایط فیزیکی در سطحی پایین قرار دارد، این امر بر وضع بهداشتی و در نتیجه، بقای انسانها اثر خواهد گذاشت.

بدون شک، شاخصهای مربوط به سطح زندگی بر شاخص واحد درآمد، ارجح است و علاوه بر این، عمق فقر و نقطه محرومیت نیز، باید محاسبه شود. انتخاب بین مفاهیم متعدد فقر مشکل است، مشخصه های ضروری برای چنین انتخابی باید با مفاهیم، طرق و راههای اندازه گیری برای نابودی فقر مرتبط باشد. ارائه پیشنهاد و سیاستهای ضروری برای مبارزه با فقر، بدون توجه به این عوامل، ممکن نیست.

از مباحث فوق، می توان نتیجه گرفت که: فقر ذهنی، یعنی فقری که به فضاوت اشخاص بستگی دارد و با توجه به آن سنجیده می شود، در کل این روش دیدگاه سیاستهای ضروری برای مبارزه با فقر بیفایده است و بیشتر از نظر مطالعات روانشناسی مفید است. از طرف دیگر، فقر ذهنی براساس مشاهدات، ممکن است اطلاعاتی درباره دیدگاههای افراد به دست دهد، ولی به هیچ وجه، راه مشخصی برای عمل ارائه نمی کند. از طرف دیگر، فقر مطلق عینی، یکی از مفاهیم مهم مربوط به آن است. زیرا، این تنها مفهوم فقر است که نقطه سرریزی!

برای برنامه ها و سیاستها، جهت مبارزه با فقر بدست می دهد، ولی باید توجه داشت که فقر مطلق، براساس یک سیستم حکم اعتباری (Value Judgement) قرار دارد. به عبارت دقیق تر، اساس این نظام، یک نظام ترجیحی است که مسؤول عملکرد سیاستهاست. پس به طور کلی، ملاحظه می شود که: تعریف فقر در هر جامعه ای، برحسب شرایط سیاسی آن متفاوت است و نمی توان حکم قطعی در مورد آن ارائه نمود.^۶

● فقر در آذربایجان شرقی^۷

مطابق سرشماری ۱۳۶۵، از نظر تقسیمات کشوری، استان آذربایجان شرقی، شامل: یازده شهرستان، ۳۴ بخش و ۸۷ دهستان است. تعداد جمعیت استان برابر ۴۱۸۰۳۷۶ نفر می باشد. از این تعداد، در حدود ۲۰۲۲۲۲۰ نفر آن در شهر و بقیه در نقاط روستایی ساکن هستند، یعنی ۴۸/۶ درصد از جمعیت، در نقاط شهری و ۵۱/۳ درصد در نقاط روستایی سکونت دارند و ۰/۱ درصد غیر ساکن (عشایر و کوچگران) هستند. این درصد روستائینی، میزان بالای آن را نسبت به درصد روستائینی کل کشور، که در حدود ۴۵/۲ درصد است، نشان می دهد.

رسد اقتصادی موجود در کل کشور به ندرت توانسته است به حل مسائل میرد اجتماعی کمک کند و اغلب نوددهای مردم از آن بهره مند نشده اند. رشد اقتصادی موجود با افزودن نابرابری اقتصادی و عدم کسب در حقیقت مشکل مکاری، سو، تغذیه، صحرایی و

حدود شماره (۱) الف: متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری برحسب انواع درآمد در استان آذربایجان شرقی ۱۳۶۱-۱۳۶۴

سال	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴
انواع درآمد	۷۱۱۹۳۵	۷۹۵۰۸۶	۹۱۸۰۰۷	۸۹۷۵۳۶
درآمد کل	۲۵۸۷۸۲	۲۹۰۳۹۰	۳۳۴۱۸۳	۳۳۳۲۱۲
درآمد فرد و حقوق بگیران (مجموعی و دولتی)	۳۳۶۱۳	۱۶۳۳۹	۲۳۰۰۵	۲۲۳۰۸
درآمد غیر دولتی		۲۲۰۰۸	۲۲۵۶	۲۲۰۶
درآمد غیر دولتی (مجموعی و دولتی)		۲۳۱۲۱	۲۹۰۲۲۰	۳۳۳۳۲
درآمد غیر دولتی (مجموعی و دولتی)		۲۲۰۰۸	۲۲۵۶	۲۲۰۶

مآخذ: نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی

• در سال ۶۲ متوسط درآمد غیر دولتی مساعل آزاد کشاورزی و غیرکشاورزی یک خانوار سده است.

مسکن نامناسب، در بسیاری از موارد، تنش‌های اجتماعی را تشدید کرده است. پایین بررسی، درصدد یافتن وضعیت توزیع درآمد و مصرف و هزینه‌های موجود در استان بر خواهیم آمد.

در سال ۱۳۶۴، ضرب جینی در مناطق شهری استان ۴۱٪ و در مناطق روستایی ۳۵۸٪ بوده که نشانگر میزان نابرابری توزیع درآمد بین خانوارهای استان می‌باشد. ضرب جینی در کل کشور، از ۵۳٪ در سال ۱۳۵۶ مستمراً کاهش یافته و به عدد ۴۳۸٪ در سال ۱۳۶۸ رسیده است. ضرب فوق در استان آذربایجان شرقی از ۴۸۳٪ در سال ۱۳۵۶ به عدد ۴۳۸٪ در سال ۱۳۶۸ کاهش یافته و در سال ۱۳۶۳ به ۴۲۴٪ رسیده است.

در سال ۱۳۶۳، سه طبقه مختلف جمعیت کم درآمد در استان، درآمد ۳۳٪ از کل درآمد را برده است. ۱۷۸ نفر از جمعیت کم درآمد، ۱۳٪ از کل جمعیت استان را تشکیل می‌دهند. این امر نشانگر آنست که در استان آذربایجان شرقی، با وجود وسعت استان و توزیع درآمد در آن ظاهرأ سعادال بر از کل کشور است. نسبت درآمد ده درصد گروهی پردرآمد به گروه‌های کم درآمد در کل کشور، ۲۳ برابر و در آذربایجان شرقی ۱۸ برابر است.

در استان با وجود آن که سهم نسبت درصد خانوارهای پردرآمد، از ۵۴٫۲ درصد در سال ۵۶ به ۴۸٫۱۸ درصد در سال ۶۳ کاهش یافته، برده ۱۱ درصد از دروسد، برین خانوارها در سال ۶۳، ۱۲ درصد از کل درآمد را برده است. در سال ۶۳، ۱۷۲، ۳۶۳ نفر از جمعیت کم درآمد، ۱۱ درصد از کل جمعیت استان را تشکیل می‌دهند. این امر نشانگر آنست که در استان آذربایجان شرقی، با وجود وسعت استان و توزیع درآمد در آن ظاهرأ سعادال بر از کل کشور است. نسبت درآمد ده درصد گروهی پردرآمد به گروه‌های کم درآمد در کل کشور، ۲۳ برابر و در آذربایجان شرقی ۱۸ برابر است.

در استان با وجود آن که سهم نسبت درصد خانوارهای پردرآمد، از ۵۴٫۲ درصد در سال ۵۶ به ۴۸٫۱۸ درصد در سال ۶۳ کاهش یافته، برده ۱۱ درصد از دروسد، برین خانوارها در سال ۶۳، ۱۲ درصد از کل درآمد را برده است. در سال ۶۳، ۱۷۲، ۳۶۳ نفر از جمعیت کم درآمد، ۱۱ درصد از کل جمعیت استان را تشکیل می‌دهند. این امر نشانگر آنست که در استان آذربایجان شرقی، با وجود وسعت استان و توزیع درآمد در آن ظاهرأ سعادال بر از کل کشور است.

۷۳۳ هزار ریال متوسط هزینه یک خانوار روستایی، ۵۳٪ درصد به هزینه‌های خوراکی و ۴۶٪ درصد به هزینه‌های غیرخوراکی اختصاص داشته است. ارقام

فوق نشانگر بالا بودن رفاه نسبی خانوارهای شهری در مقایسه با خانوارهای روستایی است. در فاصله سالهای ۶۴ - ۶۱ در کل کشور، هزینه

جدول شماره (۱) ب: متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری بر حسب انواع درآمد «استان آذربایجان شرقی» ۶۴ - ۱۳۶۱

نوع درآمد	۱۳۶۱	۱۳۶۰	۱۳۵۹
درآمد کلی	۱۱۲۳۳۹	۹۶۱۳۳	۸۶۱۷۳
درآمد غیربولی مشاغل آزادکشاورزی	۱۳۸۹۱۱	۱۳۷۹۳۵	۱۵۵۶۱۲
درآمدبولی مشاغل آزادغیرکشاورزی	۹۸۳۵۰	۱۰۰۵۶۰	۷۹۶۳۵
درآمدبولی مشاغل آزادکشاورزی	۴۷۸۰	۴۳۶۶	۵۵۶۱۲
درآمدهای منفرد	۹۸۲۱۲	۸۲۳۲۸	۶۷۴۷۶

جدول شماره ۲ - ساختمهای نابرابری توزیع درآمد در استان آذربایجان شرقی

عنوان	سال	۱۳۵۶	۱۳۶۲	۱۳۶۳
نسبت درآمد ده درصد گروهی پردرآمد به گروه‌های کم درآمد		۱۳/۷۵	۱۵/۰۱	۱۵/۱۸
سهم چهل درصد خانوارهای با درآمد متوسط		۲۲/۰۵	۲۷/۵۱	۲۶/۶۴
سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد		۵۴/۲۰	۴۷/۴۰	۴۸/۱۸
سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین خانوارها به سهم فقیرترین خانوارها		۲۳/۷۸	۱۷/۵۲	۱۸/۰۱
فقیرترین خانوارها				
سهم دهک اول (ده درصد فقیرترین خانوارها)		۱/۶۵	۱/۷۴	۱/۷۸
سهم دهک دوم		۲/۰۴	۲/۲۵	۲/۰۴
سهم دهک سوم		۴/۰۱	۴/۲۱	۴/۰۶
سهم دهک چهارم		۴/۹۶	۵/۶۰	۵/۵۶
سهم دهک پنجم		۵/۸۸	۶/۸۸	۶/۷۵
سهم دهک ششم		۶/۹۵	۸/۰۲	۸/۰۳
سهم دهک هفتم		۸/۲۵	۹/۶۸	۹/۰۳
سهم دهک هشتم		۱۰/۷۷	۱۱/۴۵	۱۲/۱۴
سهم دهک نهم		۱۴/۹۶	۱۷/۰۱	۱۶/۰۱
سهم دهک دهم (دهک ده درصد ثروتمندترین خانوارها)		۲۹/۲۴	۳۰/۴۸	۳۲/۰۷

آزاد کشاورزی، ۳۰/۲ درصد سهم درآمد حاصل از مشاغل غیرکشاورزی و ۳۰ درصد درآمدهای متفرقه بوده و از ۵۸۸۷۷۲ ریال متوسط درآمد یک خانوار روستایی، نسبتهای مزبور به ترتیب برابر با ۲۳ درصد، ۴۲/۷ درصد، ۱۷/۵ درصد و ۱۶/۶ درصد بوده (جدول شماره الف و ب)

دربار مطالب فوق، ذکر نکات ذیل ضروری است:
۱- وضع رفاهی خانوارهای شهری استان در سال ۱۳۶۱ با کل کشور یکسان بوده، ولی در سال ۶۴ نسبت به کل کشور تنزل نموده به طوری که در سال ۶۴ هزینههای خوراکی کل کشور ۳۹/۱ درصد و استان ۴۲/۷ درصد بوده است.

۲- کل هزینههای خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری استان در سال ۱۳۶۴ نسبت به سال ۱۳۶۱، ۳۴ درصد افزایش یافته (هزینههای خوراکی ۵۴ درصد و هزینههای غیرخوراکی ۲۸ درصد) که به نظر می رسد، بیش از آن که این افزایش هزینه معین افزایش مقدار مصرف باشد ناشی از افزایش قیمت آنهاست. از عوامل اصلی این افزایش قیمتها، می توان محاصره اقتصادی شرایط جنگی، کمبود تولید و احتکار، نام برد.

۳- افزایش نسبت هزینههای غیرخوراکی، در سال ۶۴ در میان خانوارهای روستایی استان نشان می دهد، وضع رفاهی این خانوارها نسبت به سال ۱۳۶۱ بهبود یافته، ولی نسبت به خانوارهای روستایی کل کشور، از وضع رفاهی پایین تری برخوردار بوده است.

۴- مقایسه درصد خانوارهای خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری و روستایی، نشان می دهد، در سال ۶۴ و همچنین در سالهای ۶۳ و ۶۲، هزینههای خوراکی نسبت به کل هزینههای روستایی است.

۵- مقایسه درآمد و هزینه خانوارهای شهری استان نشان می دهد که در میان ۴۴ درصد افزایش هزینه در سال ۱۳۶۴، متوسط درآمد خانوار در این قاعده، تنها ۲۶/۱ درصد افزایش یافته در صورتی که در کل کشور در معادل ۴۵ درصد افزایش هزینه، متوسط درآمد خانوار ۴۶/۲ درصد افزایش یافته است که مقایسه این درآمد نسبت به کل کشور، هزینه زندگی و فشار اقتصادی به دنبال آن، نسبت به کل کشور در استان، بسیار سنگین تر است.

۶- کل هزینههای خانوارهای خوراکی و غیرخوراکی

روستایی استان در سال ۱۳۶۴ نسبت به سال ۶۱ ۲۶ درصد افزایش یافته، در صورتی که، درآمد کل ۳۴ درصد افزایش یافته است، این امر معین پایین بودن هزینه زندگی در روستاهای استان می باشد.

۷- مقایسه هزینههای متوسط یک خانوار روستایی استان با کل کشور، به قیمت ثابت نشان می دهد که هزینههای فوق در استان ۱/۱ برابر این هزینهها در کل کشور است، که این امر، بند ۳ این نوشته را تأیید می نماید.

● روند قیمتها و تورم

در سال ۱۳۶۸، رقم شاخص کل کالاها و خدمات مصرفی در مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی عدد ۲۸۱/۰ را نشان می دهد که نسبت به سال ۱۳۶۱، از ۱۸/۵ درصد افزایش برخوردار است. این افزایش در گروه خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات ۲۱/۵ درصد و در گروه غیرخوراکیها ۱۴/۳ درصد بوده است.

جدول شماره (۵)

متوسط هزینه سالانه یک خانوار شهری و روستایی به قیمت جاری در استان آذربایجان شرقی در سالهای ۶۴-۱۳۶۱

سال	هزینههای خوراکی و غیرخوراکی	هزینههای غیرخوراکی	هزینههای خوراکی
۱۳۶۱	۲۳۲۰۴۹	۲۴/۲۵	۳۱۲۵۷۰
۱۳۶۲	۲۴۲۰۴۹	۲۴/۲۵	۳۱۲۵۷۰
۱۳۶۳	۲۴۲۰۴۹	۲۴/۲۵	۳۱۲۵۷۰
۱۳۶۴	۲۴۲۰۴۹	۲۴/۲۵	۳۱۲۵۷۰
۱۳۶۵	۲۴۲۰۴۹	۲۴/۲۵	۳۱۲۵۷۰
۱۳۶۶	۲۴۲۰۴۹	۲۴/۲۵	۳۱۲۵۷۰
۱۳۶۷	۲۴۲۰۴۹	۲۴/۲۵	۳۱۲۵۷۰
۱۳۶۸	۲۴۲۰۴۹	۲۴/۲۵	۳۱۲۵۷۰

منبع: سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات روستایی و شهری و روستایی، ۶۴-۱۳۶۱

جدول شماره (۶) - هزینههای خانوار شهری و خانوار روستایی در کل کشور و

استان آذربایجان شرقی در سالهای ۶۴-۱۳۶۱

سال	هزینه	نسبت کل هزینه خانوار شهری و روستایی آذربایجان شرقی	هزینههای خوراکی و دخانی	هزینههای غیرخوراکی
۱۳۶۱	۱/۱۴	۰/۸۹	۱/۱۴	۱/۱۴
۱۳۶۲	۱/۱۴	۰/۸۹	۱/۱۴	۱/۱۴
۱۳۶۳	۱/۱۴	۰/۸۹	۱/۱۴	۱/۱۴
۱۳۶۴	۱/۱۴	۰/۸۹	۱/۱۴	۱/۱۴
۱۳۶۵	۱/۱۴	۰/۸۹	۱/۱۴	۱/۱۴
۱۳۶۶	۱/۱۴	۰/۸۹	۱/۱۴	۱/۱۴
۱۳۶۷	۱/۱۴	۰/۸۹	۱/۱۴	۱/۱۴
۱۳۶۸	۱/۱۴	۰/۸۹	۱/۱۴	۱/۱۴

منبع: سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات روستایی و شهری و روستایی، ۶۴-۱۳۶۱

قیمتهای خردهفروشی در روستاهای استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۶۸ نسبت به سال ۱۳۶۱، حدود ۲/۸۱ برابر شده است که از میانگین قیمتتهای مناطق روستایی کل کشور (با ۲/۶۷ برابر) بیشتر می باشد رشد شاخص کالاها و خدمات مصرفی در مناطق روستایی استان به جز در سالهای ۶۳ و ۶۴ که یک رقمی بوده (همانند کل کشور) عدد دورقمی و در سال ۱۳۶۶ به بالاترین رقم که ۳۴ درصد می باشد، رسیده است.

در سال ۱۳۶۸، میزان تورم در استان، ۱۸/۵ درصد بوده که از مقدار تورم کل کشور (با ۱۶/۷ درصد) در حد ۱/۸ درصد بیشتر بوده است. رشد قیمت غیرخوراکیها در استان، در سالهای ۶۸-۶۲ به جز در سال ۶۷ کمتر از رشد قیمت خوراکیها بوده است. قیمت خوراکیها در سالهای ۶۲ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۸ بالاتر از مناطق روستایی کشور، افزایش یافته است. شاخص بهای خوراکیها در سال ۱۳۶۸ نسبت به سال ۱۳۶۱، حدود ۳ برابر شده است.

خصوصی در استان آذربایجان شرقی از حدود ۲۴۰ میلیارد ریال در سال ۶۲ به حدود ۵۵۵/۶ میلیارد ریال در سال ۶۸ افزایش یافته است بر این مبنای طی این مدت بر حجم نقدینگی بخش خصوصی سالانه ۲۲/۰ درصد افزوده شده است.

بررسی اجزای تشکیل دهنده نقدینگی در سال ۶۸ - ۱۳۶۲ نشان می‌دهد که سهم پول از کل نقدینگی از ۴۹/۵۹ درصد در سال ۶۲ به ۳۷/۸۱ درصد در سال ۶۸ کاهش یافته و سهم سکه پول از کل نقدینگی به ترتیب ۵۳/۰۵ درصد به ۶۲/۱۶ درصد افزایش یافته است که این امر بر یک سو نشانگر کاهش مردم به نگهداری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت در بانکها می‌باشد و از سوی دیگر، حاکی از کاهش نسبت رنجانی نقدینگی خصوصی و افزایش درجه اعتماد مردم به سیستم بانکی و کاهش به پس‌انداز است.

بررسی ترکیب سپرده‌های بخش خصوصی مورد مطالعه در سال ۱۳۶۸ نشان می‌دهد که ۲۲/۸ درصد از ۳۳۷/۶ میلیارد ریال سپرده‌های بخش خصوصی را سپرده‌های دیداری، ۱۶/۰ درصد را سپرده‌های قرض الحسنه، ۴۸/۱۶ درصد را سپرده‌های مدتدار و ۱/۶ درصد بقیه را سایر سپرده‌ها تشکیل می‌دهند که نسبت به سال ۱۳۶۷، از حجم سپرده‌های دیداری به میزان ۱۲/۳ درصد کاسته شده و بر حجم سپرده‌های قرض الحسنه و مدتدار به ترتیب ۵/۱ و ۲/۶ درصد افزوده شده است.

در سال ۱۳۶۸، نقدینگی نسبی، حدود ۲/۹ درصد نقدینگی کل کشور را تشکیل می‌داده است. در همان سال، نقدینگی در استان آذربایجان شرقی حدود ۵۵۵/۶ میلیارد ریال بود که نسبت به سال ۱۳۶۷ رشد ناچیزی داشته است. بررسی اجزای تشکیل دهنده نقدینگی در سال ۱۳۶۸، نشان می‌دهد که حجم پول از رشد منفی ۲۲/۹ درصد از ۲۷۲/۴۷ میلیارد ریال در سال ۶۷ به ۲۱۰ میلیارد ریال در سال ۶۸ کاهش یافته و حجم سکه پول با رشد ۲۳/۵ درصد از ۲۷۹/۷۶ میلیارد ریال به ۳۴۵/۵۵ میلیارد ریال افزایش یافته است.

● محرومیت استان با توجه به شاخصهای دیگر

در مجموع، می‌توان گفت: استان آذربایجان شرقی، که یکی از ۱۵ استان بزرگ کشور به شمار می‌رود، در

حیوانات با ۱۰۶/۹۷ درصد است. در گروه غیر خوراکیها، بالاترین شاخصها در سال ۱۳۶۸، به ترتیب: گروههای تفریحات و سرگرمیها و تحصیل ۵۲۵/۰ و لوازم و اثاثیه منزل ۳۵۹/۵ بوده‌اند. بیشترین رشد در این گروه نیز، مربوط به پوشاک و کفش با ۲۸/۱۸ درصد می‌باشد.

● رشد نقدینگی

در فاصله سالهای ۶۸ - ۱۳۶۲، نقدینگی بخش

که از شاخص مشابه کل کشور با ۲/۷۷ برابر، بیشتر می‌باشد. در سال ۱۳۶۸، در گروه خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات بالاترین شاخص به ترتیب مربوط به میوه‌ها و سبزیها ۵۸۷، خشکبار و حیوانات ۳۵۳/۱ و ادویه و چاشنیها ۳۴۵/۶ بوده. در حالی که شاخص کل خوراکیها، آشامیدنیها، دخانیات ۲۰۶/۲ بوده است. در همین سال، بیشترین رشد در این گروه نیز، مربوط به خشکبار و

جدول شماره (۷) شاخص‌های خرده‌فروشی گروههای کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارهای روستایی

استان آذربایجان شرقی در سالهای ۶۸ - ۱۳۶۲

گروههای کالا و خدمات	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
آرد و رشته، غلات و نان	۱۲۱/۹	۲۲۲/۹۵	۱۱۴/۵	۱۳۹/۰	۱۸۵/۷	۲۰۷/۷	۲۸۰/۰
گوشت قرمز و سفید	۱۰۸/۲	۱۱۴/۳۵	۱۱۷/۲	۱۷۱/۳	۲۶۸/۷	۲۷۸/۵	۲۶۸/۱
لبنیات و تخم‌مرغ	۱۱۹/۶	۱۲۸/۲۵	۱۳۱/۲	۱۷۲/۳	۲۲۵/۴	۲۵۵/۸	۳۱۱/۹
روغنها و چربیها	۱۰۵/۶	۱۰۷/۱۲	۱۰۸/۴	۱۲۹/۲	۱۵۶/۹	۱۸۴/۴	۱۸۲/۸
میوه‌ها و سبزیها	۱۰۹/۹	۱۶۲/۶۸	۲۰۶/۲	۲۳۹/۶	۳۰۱/۳	۴۴۳/۵	۵۸۷/۰
خشکبار و حیوانات	۱۵۰/۵	۱۵۸/۳۲	۱۵۲/۱	۱۴۸/۱	۱۵۸/۹	۱۷۰/۶	۲۵۴/۱
قند و شکر، شیرینیها و جای	۱۲۷/۲	۱۲۰/۹	۱۲۲/۴	۱۳۷/۳	۱۶۴/۷	۱۹۰/۶	۲۵۲/۰
ادویه و چاشنیها	۱۵۰/۵	۱۷۱/۱	۱۵۲/۰	۱۷۲/۰	۲۵۶/۹	۳۶۳/۶	۳۴۵/۶
غذاهای آماده	۱۱۵/۷	۱۲۱/۸	۱۲۷/۱	۱۶۶/۰	۱۸۳/۸	۱۹۸/۳	۲۱۵/۹
پوشاک و کفش	۱۱۶/۰	۱۱۵/۴	۱۰۷/۲	۱۰۹/۸	۱۳۲/۳	۱۸۴/۵	۲۳۶/۵
سبک‌پوشاک و پوشاکهای	۱۳۱/۶	۱۴۰/۶	۱۳۷/۱	۱۶۶/۰	۱۷۲/۸	۲۱۷/۰	۲۳۲/۷
لباس‌های زمستانی	۱۱۷/۸	۱۱۷/۸	۱۱۷/۸	۱۱۷/۸	۱۱۷/۸	۱۱۷/۸	۲۵۹/۵
پوشاک و کفشهای	۱۰۹/۷	۱۱۲/۶	۱۱۲/۶	۱۱۲/۶	۱۱۲/۶	۱۱۲/۶	۲۱۱/۷
حاجی و طن و لوازمات	۱۰۸/۶	۱۱۳/۰	۱۱۳/۰	۱۱۳/۰	۱۱۳/۰	۱۱۳/۰	۱۶۲/۹
تفریحات و سرگرمیها و تحصیل	۲۱۷/۸	۱۱۷/۹	۱۱۷/۶	۱۱۷/۶	۱۱۷/۶	۱۱۷/۶	۵۲۵/۰
کالاها و خدمات متفرقه	۱۱۴/۳	۱۳۴/۲	۱۳۰/۱	۱۳۰/۱	۱۳۰/۱	۱۳۰/۱	۲۱۷/۸

مآخذ: مرکز آمار ایران، مدیریت آمارهای مالی و محاسبات ملی

جدول شماره (۸): درصد تغییرات شاخص کل، شاخص خوراکیها، دخانیات و آشامیدنیها و شاخص غیر خوراکیها در

مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی و کل کشور در سالهای ۶۸ - ۱۳۶۲

سال	شاخص کل		خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات		غیر خوراکی	
	استان	کل کشور	استان	کل کشور	استان	کل کشور
۶۲	۱۵/۹	۱۳/۲	۱۶/۵	۱۲/۸	۱۳/۷	۱۳/۷

مآخذ: مرکز آمار ایران - مدیریت آمارهای مالی و محاسبات ملی

مقایسه با متوسط کل کشور، در بسیاری از شاخصها در حد نسبتاً پایینی قرار دارد. از جمله:

- تولید خالص سرانه استان در سال ۶۷ نسبت به کل کشور ۱۰۸ در هزار ریال کمتر است و بهره‌وری کار به قیمت ثابت سال ۶۱ در کل اقتصاد استان، ۶۰۴ هزار ریال بوده که ۱۹/۱ درصد از سطح بهره‌وری ملی پایین‌تر بوده است.

- توجه به توزیع درآمد استان، نسبت به متوسط کل کشور، تا حدودی تعادل نسبی استان را نشان می‌دهد، اما سهم درآمدی جمعیت با درآمد متوسط (۴۰ درصد جمعیت)، در سطح پایین‌تری نسبت به متوسط کل کشور قرار دارد.

- امید به زندگی جمعیت استان در سال ۶۵ ۴۸/۷ سال و در کل کشور به طور متوسط ۵۸/۱ سال می‌باشد، به علاوه دیگر، سطح متوسط خدمات این استان، نسبت به جمعیت کل کشور ۹۴٪ کمتر است.

- ساختار سی جمعیت استان نسبت به متوسط کل کل کشور جوانتر است. به طوری که متوسط سنی جمعیت استان در سال ۶۵ ۱۶/۴ و در کل کشور ۱۷ سال است.

- میزان بیکاری در استان طی دهه ۶۵-۵۵ و ۷/۱ به

۱۳/۱ و در کل کشور از ۷/۱ تا ۱۲/۲ درصد رسیده است.

- مرکب و میراث کودکان زیر ۵ سال استان در سال ۶۷

۶۴ در هزار و در کل کشور به طور متوسط ۶۶ در هزار بود زنده بوده است.

- در استان ۵۳٪ جمعیت ۱۳ ساله و ۵۳٪ جمعیت ۱۴ ساله

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در استان ۱۳ ساله و ۱۳٪ جمعیت ۱۴ ساله در کل کشور

در صد کل کشور از ۵۱/۹ به ۷۳/۶ درصد و در رسیده است. طی همین دوره، نسبت واحدهای دارای برق استان، از ۲۵/۹ به ۷۴/۶ و در کل کشور ۴۸/۲ به ۸۲/۷ افزایش یافته است.

- میزان باسوادی در استان، طی دهه ۶۵-۵۵ از ۳۶/۲ به ۵۲/۲ درصد و در کل کشور از ۴۷/۵ به ۶۱/۸ درصد رسیده و در صد باسوادی در سنین ۱۵ ساله و بیشتر استان ۵۹/۰ و در کل کشور ۴۸/۰ درصد بوده است.

جدول شماره (۹): شاخص کل بهای خرده‌فروشی کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارهای روستایی استان اذربایجان شرقی در سالهای ۶۸-۱۳۶۲

سال	شاخص کل		خوراکیه‌ها		غیرخوراکی	
	کل کشور	استان	کل کشور	استان	کل کشور	استان
۶۲	۱۱۵/۹	۱۱۲/۷	۱۱۲/۸	۱۱۶/۵	۱۱۳/۷	۱۱۵/۲
۶۳	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۳/۰	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۵/۰
۶۴	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۳/۰	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۵/۰
۶۵	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۳/۰	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۵/۰
۶۶	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۳/۰	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۵/۰
۶۷	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۳/۰	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۵/۰
۶۸	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۳/۰	۱۱۶/۰	۱۱۳/۰	۱۱۵/۰

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری و آمارهای مایه و معیشتی

جدول شماره (۱۰): درصد تغییرات شاخص بهای خرده‌فروشی گروههای کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارهای روستایی استان اذربایجان شرقی در سالهای ۶۸-۶۳

گروههای کالا و خدمات	درصد تغییر شاخص سال ۶۲	درصد تغییر شاخص سال ۶۳	درصد تغییر شاخص سال ۶۴	درصد تغییر شاخص سال ۶۵	درصد تغییر شاخص سال ۶۶	درصد تغییر شاخص سال ۶۷	درصد تغییر شاخص سال ۶۸
آرد و برشته، غلات و نان	۵/۱۸۶	-۶/۲۸	۲۱/۳۷	۲۲/۶۰	۱۱/۱۸۵	۳۳/۶۰	۳۳/۸۱
گوشت قرمز و سفید	۲/۱۷۶	۲/۱۴۰	۲۶/۱۶	۵۶/۱۸۶	۲/۶۵	۲۳/۸۲	-۲۳/۷۳
لبنیات و تخم مرغ	۷/۲۳	۲/۱۲۰	۲۱/۳۳	۳۰/۸۲	۱۳/۲۹	۲۱/۴۴	۲۱/۹۳
روغنها و چربیها	۱/۴۴	۱/۱۹	۱۹/۱۹	۲۱/۴۴	۱۷/۵۳	۲۱/۴۴	-۰/۸۷
سودها و سبزیها	۴۸/۰۳	۲۶/۱۷۵	۱۶/۳۰	۲۵/۱۷۵	۴۷/۱۹	۲۵/۱۷۵	۳۳/۵۶
حشکبار و حیوانات	۵/۲۰	-۳/۹۳	۲/۶۳	۷/۲۹	۷/۳۶	۷/۳۶	۱۰۶/۱۷
قند و شکر، سریشها و چای	-۴/۹۵	۱/۲۲	۱۲/۱۷	۱۹/۹۶	۱۵/۷۳	۱۹/۹۶	۳۳/۲۱
ادویه و چاشنیها	۱۳/۶۹	-۱۱/۱۶	۱۳/۸۲	۲۸/۵۰	۴/۵۳	۲۸/۵۰	-۴/۹۵
غذاهای آماده	۵/۲۷	۴/۳۵	۳۰/۶۱	۱۰/۷۲	۷/۸۹	۱۰/۷۲	۸/۸۷
بوساگ و کفش	-۰/۵۳	-۶/۸۳	۲/۲۳	۲۲/۲۱	۳۷/۳۸	۲۲/۲۱	۲۸/۱۸
سایر کالاهای روستایی	۷/۴۰	۱/۵	۶/۱۳	۲۴/۰۴	۲۴/۷۸	۲۴/۰۴	۸/۱۰
بوره و اتانیه سرول	۰/۹۰	-۶/۵۸	۲۳/۱۰	۵۱/۸۶	۳۷/۷۸	۵۱/۸۶	۱۴/۴۴
بهداشت و درمان	۳/۸۴	۸/۴۷	۲۳/۹۱	۲۸/۵۸	۵/۲۱	۲۸/۵۸	۳/۷۷
حمل و نقل و ارتباطات	۴/۹۷	-۰/۵۳	۸/۳۸	۱۳/۸۲	۹/۰۸	۱۳/۸۲	۶/۷۵
تفریحات و سرگرمیها و تحصیل	۱/۷۸	۷/۴۲	۱۶۶/۸۵	۳۵/۶۸	۷/۴۸	۳۵/۶۸	۷/۳۱
کالاهای و خدمات متفرقه	۸/۵۷	۴/۷۵	۱۵/۷۶	۲۵/۱۷	۱۱/۴۶	۲۵/۱۷	۴/۶۷

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری و آمارهای مایه و معیشتی

- محرومیت از تحصیل دختران به ویژه در مناطق روستایی استان، بیشتر از پسران است، به طوری که نسبت جنسی در کل مقاطع تحصیلی ۱۵۴ می باشد.

- پوشش تحصیلی جمعیت لازم‌التعلیم استان در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، به ترتیب ۶۹/۵، ۲۶/۰۳ و ۱۹/۳ درصد بوده است.

- در سال ۶۹ تنها برای ۰/۵ درصد از کل جمعیت استان، امکانات ورزشی وجود داشته است.

- در سال ۶۸ مصرف سرانه انرژی برق در استان ۴۵۴ کیلووات ساعت بوده که حدود ۵۸ درصد مشابه در کل کشور است، و تولید سرانه انرژی برق در استان ۷۲۵ کیلووات ساعت بوده که ۲۲۸ کیلووات ساعت کمتر از متوسط کل کشور بوده است.

- در سال ۶۷ ضریب نفوذ تلفن شهری در استان ۶/۳ و در کل کشور به طور متوسط ۷/۳۹ نفر بوده است.

- در سال ۶۷، ۹۷٪ نسبت طول راهها به ۱۰۰ کیلومتر مربع از مساحت استان، حدود ۱۱ کیلومتر بوده است.

- در سال ۶۵ تراکم خانوار در واحد مسکونی در استان، ۱/۱۲ و در کل کشور ۱/۱۷ بوده و تراکم نفر در واحد مسکونی در استان ۶/۱۴ و در کل کشور ۶/۰۲ بوده است.

- در سال ۶۵ تعدادی صنایع به ثبت رسیده که به ازای هر صد هزار نفر در استان ۱۱/۰۸ در کل کشور ۱۴/۲ کارگاه بوده که شاخص فوق نسبت به سال ۶۱ در استان به میزان ۵۸/۰ و در کل کشور در حد ۱/۴ کارگاه کاهش داشته است و تعداد صنایع به ثبت رسیده به ازای هر صد کیلومتر مربع در استان ۰/۶۹ و در کل کشور ۰/۴۳ کارگاه بوده است.

- در سال ۶۵ ارزش افزوده کارگاههای بزرگ صنعتی استان به ازای هر کارگر در استان ۱۳۶۲ هزار ریال و در کل کشور ۱۶۸۵ هزار ریال بوده است.

- از مجموع اراضی زیرکشت استان، ۳۸/۷ درصد آبی بوده و ۶۱/۳ درصد به صورت دیم کشت می شده است. در واقع، ۱۰ درصد از اراضی آبی و ۱۴/۷ درصد از اراضی دیم کشور به این استان معطوف دارد.

بقیه در صفحه ۴۵

● پی نوشت:

- ۱- آمار کلیات و اعداد و ارقام عمومی
- ۲- آمار اقتصادی و اجتماعی
- ۳- آمار کشاورزی و دامپروری
- ۴- آمار صنعت و معدن
- ۵- آمار خدمات و رفاه اجتماعی
- ۶- آمار فرهنگ و تفریح
- ۷- آمار حمل و نقل و ارتباطات
- ۸- آمار نیروی انسانی
- ۹- آمار بهداشت و درمان
- ۱۰- آمار محیط زیست و منابع طبیعی
- ۱۱- آمار آماری و روشهای آماری
- ۱۲- آمار آماری و روشهای آماری
- ۱۳- آمار آماری و روشهای آماری
- ۱۴- آمار آماری و روشهای آماری
- ۱۵- آمار آماری و روشهای آماری
- ۱۶- آمار آماری و روشهای آماری
- ۱۷- آمار آماری و روشهای آماری
- ۱۸- آمار آماری و روشهای آماری
- ۱۹- آمار آماری و روشهای آماری
- ۲۰- آمار آماری و روشهای آماری

جدول شماره (۱۱): تسهیلات اعطایی بانکهای بخش خصوصی در سالهای ۶۸-۱۳۶۵ میلیون ریال

عنوان	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	درصد سرانه ۱۳۶۸
بانک ملی	۵۴۹۳۹	۶۷۱۰۳	۶۶۷۵۵	۸۲۷۱۳	۲۶/۹۰
بانک سپه	۱۶۶۷۰	۲۵۸۳۳	۴۲۳۲۶	۶۵۷۲۵	۵۵/۳۱
بانک رفاه کارگران	۲۱۷۱	۴۴۱۹	۱۷۰۴۶	۳۰۹۸۰	۸۱/۷۴
بانک استان	۶۴۲۱۶	۷۶۴۴۱	۵۷۱۶۲	۶۵۶۹۱	۱۴/۹۲
بانک تجارت	۸۲۵۵	۱۹۶۷۷	۲۳۹۱۱	۳۳۶۶۲	۴۰/۷۸
بانک ملت	۱۵۹۹۶	۱۸۹۹۰	۲۵۲۳۹	۳۵۱۸۰	۳۹/۳۹
کل بانکهای تجاری	۱۶۴۲۵۷	۲۱۲۶۶۲	۲۳۳۳۳۹	۳۱۵۹۶۱	۲۵/۹۳
بانک مسکن	۳۷۱۸	۶۹۱۲	۸۵۰۳	۲۱۷۲۱	۱۵۵/۵۷
بانک کشاورزی	۱۳۸۳۸	۱۴۰۶۳	۲۳۱۶۴	۳۰۳۲۳	۳۶/۵۹
کل بانکهای تخصصی	۱۸۵۵۶	۲۰۴۷۵	۳۰۶۶۷	۵۲۰۰۴	۶۹/۵۸
کل بانکهای تجاری و تخصصی	۱۸۲۸۱۳	۲۳۳۱۳۸	۲۶۳۱۰۶	۳۶۷۹۶۵	۳۹/۸۵

مآخذ: آکبیر استان

جدول شماره (۱۲): نقدینگی بخش خصوصی بر حسب بول و اجزای آن به در سالهای ۱۳۶۷-۱۳۶۲

عنوان	۱۳۶۲		۱۳۶۳		۱۳۶۴		۱۳۶۵		۱۳۶۶		۱۳۶۸	
	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد	مقدار	درصد
بول (۱)	۱۱۰۱۰۰	۴۹/۵۹	۱۶۴۸۸۲	۵۹/۴	۱۹۳۰۵۸	۵۶/۲	۲۱۲۷۵۷	۵۰/۶	۲۱۶۴۴۶	۳۹/۱	۲۱۰۰۶۱۳	۳۷/۸۱
اسکناس و مسکوک	۶۱۰۹۵	۲۵/۵	۷۱۲۶۵	۲۵/۷	۸۳۰۷۹	۲۴/۲	۱۰۳۹۱۱	۲۴/۶	۱۰۳۷۸۸	۲۳/۵۴	۱۰۸۰۱۱	۱۹/۴۴
سپردههای دیداری	۴۹۰۰۵	۲۰/۴۵	۹۳۶۱۸	۳۳/۷۶	۱۰۹۹۷۹	۳۳/۰	۱۰۹۸۴۶	۲۶/۰	۱۱۲۶۵۸	۲۵/۵	۱۰۲۰۵۰	۱۸/۳۷
شبه بول (۲)	۱۲۹۴۸۹	۵۴/۰۵	۱۱۲۴۱۳	۴۰/۵۴	۱۵۰۲۲۴	۴۲/۷۶	۲۰۸۶۴۶	۴۹/۴	۲۳۳۴۵۲	۵۰/۹	۲۳۵۵۵۲	۴۲/۱۹
سپردههای پس انداز قرض الحسنه	۱۱۷۸۸۲	۲۹/۰	۸۰۸۰۵	۲۹/۱۴	۸۷۳۳۳	۲۹/۱۴	۱۰۳۹۱۱	۲۴/۶	۱۰۳۷۸۸	۲۳/۵۴	۱۰۸۰۱۱	۱۹/۴۴
سپردههای مدتدار	۹۴۶۶	۳/۹۵	۲۱۵۵۶	۷/۷۷	۲۸۱۷۹	۸/۳۶	۳۵۲۳۹	۸/۳۶	۳۵۱۸۰	۸/۳۶	۳۵۱۸۰	۸/۳۶
نقدینگی (۱+۲)	۲۳۹۵۹۱	۱۰۰	۳۷۷۳۹۵	۱۰۰	۴۶۳۳۸۲	۱۰۰	۵۲۰۰۴	۱۰۰	۵۲۰۰۴	۱۰۰	۵۲۰۰۴	۱۰۰

مآخذ: سازمان برنامه و بودجه ادراکات سررفی